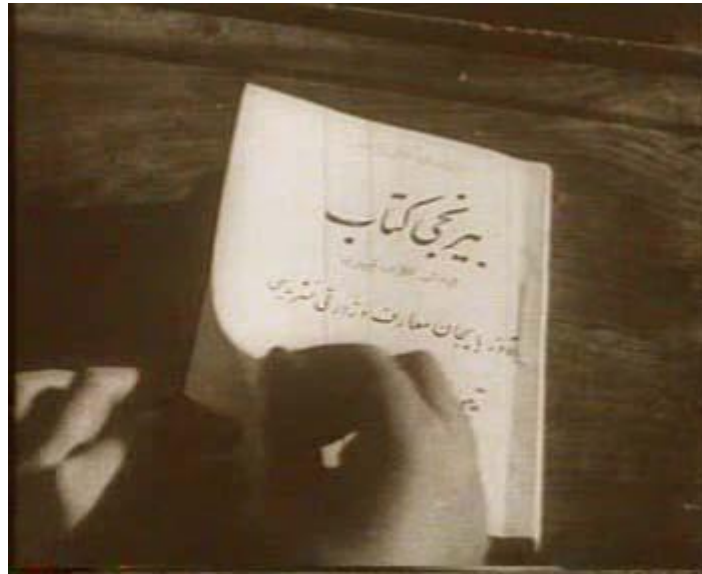


دعای صبگاهی مدارس تبریز

امروز پس از گذشت 60 سال ، با مطالعه دقیق این ابیات که هنوز هم در سینه مردم نهفته است و همواره یاد خدا را در یادها زنده می سازد ، می توان فهمید که چقدر با دنیائی از ظرافت و لطافت و شوق و ایمان ، جوان پاک سرشت و معصوم را به سوی حق و حقیقت رهنمون می ساخت:



ای خدایی که ما را از هیچ آفریدی	ای بیزی یوخدان یارادان تانریمیز
ما را مورد لطف و عنایت خود قرار بده	سن بیزه لطفونله عنایت انیله
ما را به راه راست و کارهای درست	بیزلری دوزگون یولا هدایت انیله
با قدرت ذاتی خود هدایت هدایت کن	قدرت ذاتیلیه هدایت انیله
به ما توفیق ده تا تحصیل کنیم	وئر بیزه توفیق که تحصیل انده ک
با علم و ادب ما را زینت بده	علم و ادبله بیزه زینت انله
تا به زادگاه خود خدمت کنیم	خدمت انده ک بیز آنا میز یوردونا
تو نیز او را حفظ و حمایت کن	سن ده اونی حفظ و جمایت انیله
فکر پاک ، دل روشن و بدن سالم	پاک فکیر ، آیدین اوره ک ساغ بدن
در شان خود به ما کرامت کن	بیزلره شانونله کرامت انیله



یاشیلار (اکبر) ایچون، آذربایجان دیلینده تازه نشر اولونمش بیرنجی، ایکینجی، اوچنچو و دورنچو ابتدائی کلاسلارا مخصوص درس کتابلاری

بی مناسبت نیست اشاره ای داشته باشیم به اوضاع ادبی و علمی و فرهنگی سال 1325.

بعد از واقعه شهریور 1320 (1941) استعفای اجباری رضا شاه، به علت ضعف حکومت مرکزی و وجود قوای خارجی، برای پنج سال فشار و خفقان سابق از بین رفت و در این مدت در آذربایجان روزنامه ها و کتاب های ترکی چاپ و منتشر می شد که مهمترین آنها روزنامه های آذربایجان، وطن یولوندا (در راه وطن) و شفق در تبریز و روزنامه جودت در اردبیل بود.

در این روزنامه ها، اشعار و مقالات شعرا و نویسندگان آذربایجان جنوبی و شمالی چاپ می شد. بعلاوه در شهرها، محافل ادبی بر پا می شد و در آنها شاعران اشعار شعرای بزرگ آذربایجان و اشعاری را که خود سروده بودند می خواندند و سپس در باره آن اشعار بحث و گفتگو می شد. در این سالها دیوان و مجموعه اشعار شعرای گذشته نیز به چاپ می رسید.

در سال 1324 شمسی (1945 م) در تبریز فرقه دموکرات تشکیل شد و زمام امور را به دست گرفت. زبان ترکی به موازات زبان فارسی در آذربایجان رسمیت یافت و تدریس به زبان مادری در مدارس آغاز شد. ضمناً برای تدریس در مدارس ابتدائی شش جلد کتاب به نام (آنا دیلی) به زبان مادری چاپ و منتشر شد.

زبان این کتاب ها ترکی ساده و عامه فهم و بر مبنای زبان گفتگوی مردم آذربایجان بود.

در این دوره ، در تبریز (آذربایجان اونیورسیتیه سی) شامل رشته های طب و فلاحت و پداگوژی (زبان و ادبیات ، فلسفه ، تاریخ ، جامعه شناسی ، جغرافیا و ...) تاسیس و ایستگاه فرستنده رادیو در تبریز (تبریز استانیسی) (ایستگاه تبریز) به کار افتاد.



در این دانشگاه ، زبان و ادبیات آذربایجان تدریس می شد و از رادیو نیز به عنوان وسیله ارتباط جمعی ، برنامه ها به ترکی پخش می گردید.

روزنامه آذربایجان به عنوان ارگان فرقه دموکرات انتخاب شد و در آن اخبار و سخنرانی های دولتی و مقالات سیاسی و اجتماعی و ادبی چاپ می شد . محافل شعر و ادب ترکی رسمیت یافت . (مجلس شعرا) (شاعرلر مجلسی) به طور منظم تشکیل می شد و در آن شعرای مجرب و جوان آذربایجانی شرکت می کردند.

این مجلس را هیئت مدیره ای مرکب از سید مهدی اعتماد ، فطرت ، هلال ناصری ، (شورای ایرانی) اداره می کرد . پروفیسور جعفر خندان هم که از شعرا و استادان ادبیات باکو بود با هیئت مدیره همکاری داشت . در جلسات (مجلس شعرا) اشعار شعرای بزرگ آذربایجان مانند فضولی خوانده می شد و مورد ارزیابی قرار می گرفت و موضوع های وطنی و ملی برای شعر انتخاب و اشعار شعرای تازه کار تنقید و اصلاح می شد. بیش از 50 شاعر در این مجلس شرکت می کردند که محزون ، ساهر ، حسین صحاف ، محمد بی ریا ، بالاش آذر اوغلو ، مدینه گلگون ، حکیمه بلوری ، علی توده ، ابراهیم ذاکر ، نیکنام ، عاشق حسین جوان ، کاشف ، بخشی ، یحیی شیدا ، چاووشی ، مظفر و ... از آن جمله بودند .



بسیاری از شعرای معروف آذربایجان ، مانند ساهر و سهند (بولود قره چورلو) که در آن ایام با تخلص رازقی شعر می گفت ، اولین اشعار خود را در این پایگاه ادبی خوانده و یا اولین دوران ادبی خود را در آنجا گذرانیده اند. شرح حال و نمونه های اشعار شعرای این مجلس در مجموعه ای به نام (شاعران مجلسی) چاپ شده است .

دوران حکومت مزبور بیش از یک سال نپائید ، سال ها بعد در اثر فشار اولتیماتوم آمریکا ، شوروی مجبور به تخلیه ایران شد و استالین که حمایت از فرقه را سرپوشی برای نیت خود قرار داده بود در برابر وعده امتیازات نفت شمال ایران که قوام السلطنه نخست وزیر ایران گرفت . اسلحه های سنگین را از آذربایجان خارج کرد و به پیشه وری دستور داد تا در برابر ارتش حکومت تهران مقاومت نکند . در چنین شرایطی ارتش بعد از مختصر زد و خوردی در قافلانکوه وارد تبریز شد .

اغلب رهبران فرقه به آن سوی مرز رفتند و بقیه اعضای فرقه و کسانی که کوچکترین همکاری با حکومت پیشه وری کرده بودند گرفتار آمدند و از دم تیغ گذشتند . هزاران آذربایجانی به قتل رسیدند و عده زیادی هم زندانی شدند.

نمایندگان دولت مرکزی به دستور تهران ، کتاب های درسی مدارس را جمع کردند و آتش زدند . از آن پس مطبوعات و انتشارات ترکی قدغن و زبان رادیو و مدارس منحصراً فارسی شد .

ای تو پراچی لعل و نر جان آذربایجان آذربایجان  
بزرگوارک اغر و نر جان آذربایجان آذربایجان  
خالق دو دونه کله آسب بوی تو جانان بلیندیز  
ظلمتاری مال عشر ای ایلان ایلدی قلا ریندیز  
دستی شیرتله قویوب وارنیز حیرت بوی  
حقین اولوب کله میان آذربایجان آذربایجان  
ای تو پراچی لعل و نر جان آذربایجان

پایان